

فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوازدهم، شماره اول و دوم،

بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۴۶-۴۵

کارکردهای نظام تیمار و علل فروپاشی آن در امپراتوری عثمانی

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۰/۳/۱۷

* سیدمسعود شاهمرادی

** کیومرث عظیمی

نظام تیمار پایه و اساس دستگاه اداری، نظامی و مالی امپراتوری عثمانی را تشکیل می‌داد. گسترش و اهمیت اقطاع در دولت عثمانی از آن جا پیداست که بیشتر متصرفات آنان در سرزمین‌های اروپایی و عربی در اقطاع امرا و سرداران قرار می‌گرفت. در واقع بخش بزرگی از قلمرو امپراتوری عثمانی از اقطاع‌های جنگی تشکیل می‌گردید که اغلب آنها را به عنوان اقطاع به سرداران فاتح آن ولایت‌ها و ایالت‌ها می‌دادند. اصطلاح‌های «تیمار»، «زعامت» و برخی واژه‌های دیگر در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی به معنای «اقطاع» یا انواعی از آن به کار برده می‌شد. سیستم تیمار عثمانی که از سیستم اقطاع سلجوقی گرفته شده بود، مانند تشکیلاتی اداری از بیگلربیگی گرفته تا سپاهی، نماینده اختیارات اجرایی سلطان در ایالت‌ها بود. نظام تیمار و زعامت به سبب برخی تحولات در شیوه تیمارداری ولایت‌های امپراتوری در دوران متأخر، به تدریج رو به ضعف نهاد تا

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

این که در سال ۱۸۳۹م از طرف محمود دوم، هم زمان با خط شریف گل‌خانه به کلی کنار زده شد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه کتاب‌خانه‌ای درصدد بررسی تحول نظام تیمار، کارکردهای آن، وظایف صاحبان تیمار در برابر حکومت مرکزی عثمانی و دلایل فروپاشی نظام تیمار در امپراتوری عثمانی است.

واژه‌های کلیدی: اقطاع، تیمار، خلافت عثمانی، زعامت، نظام اداری مسلمانان.

مقدمه

اقطاع عبارت بود از واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن، واگذاری حق گردآوری خراج و مالیات و یا واگذاری محلی برای کسب و کار به طور محدود و در زمانی معین یا نامحدود. عثمانیان به جای واژه «اقطاع» اصطلاح‌های ویژه‌ای به کار می‌بردند که «تیمار» رایج‌ترین و مشهورترین آنها بود. تیمار گونه‌ای از «اقطاع نظامی» بود که صاحب آن را به شرکت در جنگ‌ها و اعزام تعدادی سپاهی به میدان نبرد ملزم می‌ساخت. سیستم تیمار امپراتوری عثمانی بر اساس نظام اقطاع سلجوقی شکل گرفت و این وضع تا دوران تنظیمات ادامه یافت.

واگذاری تیمار مطابق قوانینی خاص و با مشخص کردن جمعیت و درآمد محل مورد نظر از طرف اداره مرکزی عثمانی انجام می‌گرفت. نحوه اختصاص درآمدها و چگونگی جمع‌آوری آنها نیز در دفاتر اجمال مشخص می‌شد. گسترش و اهمیت تیمار در امپراتوری عثمانی از آن جا پیداست که بیشتر متصرفات آنان در سرزمین‌های اروپایی و عربی در اقطاع امرا و سرداران آنان قرار داشت. در حقیقت نظام تیمار، مانند تشکیلاتی اداری، نماینده اختیارات اجرایی پادشاه عثمانی در ایالت‌ها بود. سپاهیان در قبال تیمار واگذار شده، وظایف اداری متنوعی داشتند. آنان نوعی نیروی انتظامی بودند که مسئولیت حراست از رعایا در سراسر کشور را بر عهده داشتند و در عین حال وظایف مهمی در زمینه جمع

آوری مالیات‌ها و اجرای قوانین ارضی انجام می‌دادند.

برای درک صحیح خصوصیت و ماهیت نظام تیمار در امپراتوری عثمانی نگاهی به تقسیمات زمین در حقوق ارضی عثمانی مفید است. در امپراتوری عثمانی، زمین در درجه اول دارای تقسیماتی، مانند «تیمار»، «زعامت»، «خاص»، «اوقاف» و «اوجاکلیک» بود و این تقسیم بندی برحسب میزان درآمد آنها صورت می‌گرفت. تیمار به دو صورت «آزاد» و «غیر آزاد» تقسیم می‌شد. در بعضی مواقع تیمار واگذار شده را از صاحبانش باز پس می‌گرفتند، به خصوص در زمانی که صاحب تیمار، در هنگام جنگ در نبرد شرکت نمی‌کرد. صاحبان زعامت و تیمار ملزم به ترک محل اقامت خود و اقامت در محل واگذار شده، بودند. آنها در مقابل اراضی واگذار شده، وظایف متنوعی بر عهده داشتند که بنا به ضرورت باید آنها را انجام می‌دادند. وظایف صاحبان نظامی تیمار و صاحبان اراضی زعیم، شامل وظایف نظامی (فراهم کردن سرباز)، مالی، اداری و اقتصادی بود. پیش از هر چیز مقصود از ایجاد نظام تیمار، تدارک نیرو برای ارتش سلطان بود.

سیستم تیمار که از زمان تشکیل امپراتوری عثمانی، اساس سیستم اداری، مالی و نظامی بود، پس از پایان قرن ۱۶م به دلایل متنوع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شروع به اضمحلال کرد. در حقیقت نظام تیمار و زعامت به سبب برخی تحولات در شیوه تیمارداری ولایت‌های امپراتوری در دوران متأخر، به تدریج رو به آشفتنی نهاد. بعضی از پاشاهان و والیان ایالت‌ها به جای فرستادن عده معینی سپاهی به باب عالی، در برابر درآمدهای املاک و ولایت‌های که در تصرف داشتند، مبلغی معلوم به دیوان امپراتوری می‌فرستادند و این تحول باعث استقلال طلبی و قدرت یابی پاشاها و خاندان‌های حاکم در بعضی از ولایت‌ها گردید. از دیگر دلایل این اضمحلال می‌توان به افزایش جمعیت، فعالیت‌های نادرست اداری و مانند آن اشاره کرد. این پژوهش درصدد بررسی تحول نظام تیمار در امپراتوری عثمانی با تکیه بر مواردی، مانند ریشه‌ها و کارکردهای نظام تیمار در امپراتوری عثمانی، انواع مختلف تیمار در امپراتوری عثمانی، وظایف صاحبان تیمار در قبال حکومت مرکزی و دلایل اضمحلال نظام تیمار در امپراتوری عثمانی است.

اقطاع و تیمار

اصطلاح‌های «تیمار»، و «زعامت» و برخی واژه‌های دیگر در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی به معنای اقطاع یا انواعی از آن به کار می‌رفته است. به عبارت دیگر، عثمانیان به‌ویژه در قلمرو اصلی خویش، به‌جای واژه «اقطاع» اصطلاح‌های ویژه‌ای به کار می‌بردند که «تیمار» رایج‌ترین و مشهورترین آن بود. «اقطاع» اصطلاحی در امور ارضی، مالیاتی و دیوانی در قلمرو اسلام بود و عبارت بود از واگذاری زمین، آب، معدن یا منافع حاصل از آن، واگذاری حق گردآوری خراج و مالیات و یا واگذاری محلی برای کسب و کار به کسی به طور محدود و در زمانی معین یا نامحدود. این معنا در طی قرون متحول شده و انواع و صورت‌های مختلفی یافت و نظریه‌پردازان و فقها در باره مفهوم و مدلول آن بحث‌های فراوانی کرده‌اند. ظاهراً واژه و مفهوم اقطاع از قرآن مجید گرفته شده است.^۱

تیمار گونه‌ای «اقطاع نظامی» بود که صاحب آن را به شرکت در جنگ‌ها و اعزام تعدادی سپاهی به میدان نبرد ملزم می‌ساخت.^۲ تیمار در اصطلاح به منابع مالی و مالیاتی نواحی معینی می‌گفتند. که به عنوان حقوق و مستمری به نظامیان و مأموران دولتی واگذار می‌گردید و یا به صورت سهمی از حق بیت‌المال از اراضی «میریه» به عنوان حق شمشیر به سپاهیان داده می‌شد،^۳ به عبارت دیگر، «تیمار» عبارت بود از واگذاری زمینی معین و یا درآمد به دست آمده از بعضی اراضی. در حقیقت می‌توان گفت که تیمار شکلی تطبیقی از سیستم حواله بود.^۴

پیدایش رسم اقطاع بنا بر روایت‌های موجود به دوران پیامبر اکرم [ص] باز می‌گردد، اما بررسی فقهی، تعریف، تدوین اصول و مبانی و انواع آن به دست فقها از سده ۲ق/۸م به این سوی آغاز شد. با وجود آن که اقطاع در سراسر جهان اسلام رسمی متداول بود و تقریباً همه فقه‌های مذاهب اسلامی و نظریه‌پردازان سیاسی و حقوقی در باره آن سخن گفته‌اند، اما هنوز دارای برخی از نکات مبهم است.

از دیدگاه نظری، تقریباً بیشتر دانشمندانی که درباره زمین و مالکیت دولتی و خصوصی آن در اسلام، اختیارات و وظایف دولت، سازمان اجتماعی و سیاسی، روابط

اقتصادی، آداب حکومت و سیاست و به طور کلی ابواب و مسائل فقهی بحث می‌کنند، درباره انواع و مصادیق اقطاع نیز سخن می‌گویند. به علاوه، بحث درباره اقسام اراضی قلمرو اسلام و خارج از آن؛ یعنی دارالاسلام، دارالعهد، دارالحرب، اراضی مفتوح عنوه، اراضی صلحی، املاک خراجی و عشری، اراضی موات و آباد و انواع هر یک، گاه با بررسی موضوع اقطاع همراه است.

با این همه، نخستین سخن، تجویز اقطاع از سوی شارع است. از روایت نبوی **۶** «عادی الارض لله و لرسوله ثم هی لکم منی» و اقطاع‌هایی که به بعضی از اصحاب داد، مشخص است که این شیوه واگذاری زمین به آغاز اسلام بازمی‌گردد. ^۵ مراد از «عادی الارض» زمین‌هایی است که در روزگار کهن ساکنانی داشته، یا آباد بوده و سپس رها و ویران شده است. فقها با استناد به این روایت و آن چه پیامبر **۶** انجام داد، حکم به جواز اقطاع داده‌اند. بعضی از دانشمندان متأخرتر که به تبویب و طبقه‌بندی انواع اقطاع و راه‌ها و ادله واگذاری قطایع می‌پردازند، اقطاع را به دو دسته «اقطاع تملیک» و «اقطاع استغلال» تقسیم می‌کنند و برخی «اقطاع ارفاق» را نیز بدان می‌افزایند.^۶

تحول «اقطاع» و «تیمار» در امپراتوری عثمانی

نظام اقطاع با ظهور دولت‌های کوچک و بزرگ مستقل و نیمه مستقل در شرق و غرب جهان اسلام به موازات قلمرو اصلی و واقعی خلافت کامل می‌شد. در عصر سلجوقیان، انواع اقطاع و شیوه‌های واگذاری و بهره‌گیری از آن کامل گردید و این میراث به سلسله‌های بزرگ و کوچک بعدی، به ویژه دولت‌هایی که از بطن سلجوقیان بیرون آمدند و سپس به ایوبیان و ممالیک منتقل شد.^۷

برخی معتقدند که اصطلاح تیمار در دوره سلجوقیان آسیای صغیر متداول بوده است و پس از تصرف آن جا به دست ترکان، درآمد اراضی به عنوان تیمار به امیران و لشکریان ترک واگذار می‌شد و چون عثمانیان مستقر شدند، شیوه‌های زمین‌داری را تغییر دادند و

تیمارها را با برات و طغرای جدید واگذار کردند.^۸ به عبارت دیگر با تأسیس امپراتوری عثمانی، به بعد سیستم تیمارانها، اساس سیستم اقطاع سلجوقی را در بر گرفت و این وضع تا دوران تنظیمات ادامه یافت.

بعضی از مورخان از این عقیده که سیستم تیمار عثمانی از سیستم اقطاع سلجوقی گرفته شده است، دفاع می‌کنند. این در حالی است که برخی دیگر از مورخان عقیده دارند سیستم تیمار از بیزانس گرفته شده است، عده‌ای هم معتقدند که سیستم تیمار از ساسانی‌ها به عرب‌ها و از آن جا به عثمانی‌ها منتقل شده است.^۹

فواد کوپرولو، دلایل متقنی برای این که سیستم تیمار عثمانی از سلجوقیان آناتولی گرفته شده، می‌آورد و ادعای گرفتن این سیستم از بیزانس را رد می‌کند. از دیدگاه او سیستم تیمار از امپراتوری سلجوقیان بزرگ به سلجوقیان آناتولی و از آنجا به امپراتوری عثمانی راه یافت.^{۱۰}

بر اساس تحقیق‌های انجام گرفته درباره معنای کلمه تیمار، بحث در باره این که این کلمه از کجا نشأت گرفته است به نتیجه خاصی منتهی نمی‌شود. لیونجلاویوس در سندی متعلق به سده ۱۶م برای اولین بار کلمه تیمار را که با نام «تیماریون» (timarion) و در معنی اقطاع به کار رفته است، نشان می‌دهد، اما آن چه در معنای اقطاع در امپراتوری بیزانس آمده است، شامل معانی بسیار متفاوتی می‌شود. بر عکس این دیدگاه‌ها از ۱۵۹۸م به بعد «لوزارا سورانزو» ونیزی، نشان داد که کلمه تیمار از کلمه فارسی تیمار آمده است، این دیدگاه از سوی مورخ برجسته «وون هامر» نیز پذیرفته گردید.^{۱۱}

با وجود عدم وضوح واقعی معنای کلمه تیمار از دیدگاه معناشناسی، مورخان فراوانی در باره معنای بیان شده سیستم تیمار در امپراتوری عثمانی متفق القولند. بیشتر مورخان معتقدند که سیستم تیمار از امپراتوری سلجوقی به عثمانی راه یافت که امری بسیار طبیعی است، چون که مطابق نظر کوپرولو تشکیلات اداری، نظامی و ملکی دولت عثمانی ادامه دولت سلجوقی آناتولی بود که تا اندازه‌ای تأثیر تشکیلات ممالیک مصر نیز بود.^{۱۲} در حقیقت رسم اقطاع‌داری و محاسبه مالی درآمد اراضی و رسوم از طرق مختلفی به ویژه از

سلجوقیان آسیای صغیر، آق‌قویونلوها در شرق و ممالیک مصر در غرب پس از فتح قلمرو ایشان به دست عثمانیان به این دولت منتقل شد.^{۱۳}

پس از سقوط دولت سلجوقی و کاهش فشار مغولان، نیروهای نظامی که از طرف سلجوقیان در مرزها و برای مراقبت در برابر حمله دشمنان مستقر شده بودند، برای حفظ وحدت مجدد ترک‌ها در آناتولی، «بیلیک‌ها» را ایجاد کردند. اولین بیلیک‌های ترک عبارت از: «کارامان اوغلولار»، «گرمیان اوغلولار»، «جاندار اوغلولار» و «عثمان اوغلولار» بودند. از میان این‌ها بیلیگ عثمانلی که به دست عثمان اوغلولار ایجاد شد و در مدت کوتاهی توسعه یافت، امپراتوری عثمانی را ایجاد کرد.^{۱۴}

نخستین منبع مستند در باره نظام تیمار متعلق به زمان سلطان اورخان عثمانی (۷۲۶-۷۶۱ هـ ق) است. گزارش شده که عثمان اول (۶۹۹-۷۲۶ هـ ق) نیز به سپاهیان تیمار می‌داده است، اما به نظر می‌رسد که این اراضی بیشتر اقطاع یا نوعی از «یورت»، شبیه به تیول یا اولکه بود که اعطای آن در دولت‌های ترکمن آناتولی شرقی رواج داشته است، چنان که «اولکه» و «یورت» در میان عثمانیان به معنای اقطاع موروثی باقی ماند.^{۱۵}

تیمار مطابق قوانین معین از طرف اداره مرکزی عثمانی و با مشخص کردن جمعیت و درآمد - که در محل انجام می‌شد - واگذار می‌گردید. نحوه اختصاص درآمدها و چگونگی جمع‌آوری آنها نیز در دفتر اجمال مشخص می‌شد. با این وصف، «تیمار» نوعی تخصیص درآمد و حواله است. اسناد واگذاری تیمار در واقع واگذاری صلاحیت جمع‌آوری درآمدها و یک نوع وثیقه حواله بود که از سوی پادشاه و دولت به افراد داده می‌شد.^{۱۶}

برای استقرار نظام تیمار و حفظ نظارت مداوم و متمرکز بر آنها، حکومت ناگزیر بود همه منبع درآمد در ایالت‌ها را به صورت دقیق تعیین و دفاتری تهیه کند که پراکندگی این منابع را نشان می‌دهند. بلافاصله پس از فتح یک منطقه و سپس هر بیست یا سی سال، زمانی که تغییر در میزان برداشت مالیات‌ها محسوس می‌شد، مأموری با عنوان «ایل یازیجی سی» به آن منطقه اعزام می‌شد تا منابع درآمد را تشخیص دهد.^{۱۷}

علاوه بر این، تمام اطلاعات مربوط به تیمارها در هر ایالت در دفتری مخصوص ثبت

می شد و مسئولیت آن را «تیمار دفترداری» آن ایالت برعهده داشت، چنان که مسئولیت دفاتر زعامت با «تیمار کدخداسی» بود. نظیر این اطلاعات در دفاتر اراضی خزانه، که «مجمّل» و «مفصل» نام داشتند، نیز موجود بود^{۱۸} تهیه و تنظیم دفترهای مجمّل و مفصل برعهده ممیز بود و او وظیفه داشت روستاها و بخش‌های خاص و زعامت را به گونه‌ای منظم در دفتر ثبت کند.^{۱۹} صاحب تیمار مجبور بود در ایالت یا ولایت مشتمل بر املاک اقطاعی خود اقامت نماید و در صورت ترک محل، امتیاز او لغو می‌شد.^{۲۰}

برای بررسی پدیده اقطاع و انواع آن در دولت طولانی مدت عثمانی باید به این نکته توجه کرد که بخش بزرگی از قلمرو عثمانیان در واقع از اقطاع‌های جنگی تشکیل می‌شد که اغلب به عنوان اقطاع به سرداران فاتح آن ولایت‌ها و ایالت‌ها می‌دادند.^{۲۱} درحقیقت در امپراتوری عثمانی، سیستم تیمار پایه و اساس سیستم اداری، نظامی و مالی امپراتوری را تشکیل می‌داد.^{۲۲}

گسترش و اهمیت اقطاع نظامی در دولت عثمانی از آن جا پیداست که متصرفات آنان در سرزمین‌های اروپایی و عربی، بیشتر در اقطاع امرا و سرداران آنان قرار داشت. هم‌چنین، وسعت تیمارها و رواج اقطاع از این نکته پیداست که در ایام سلطان سلیمان قانونی حدود نیمی از درآمد مالیاتی امپراتوری در دست صاحبان تیمار بود که در ایالت‌های مختلف اقامت داشتند و همواره آماده جنگ بودند. در نظام تیمار با آن که تیماردار «صاحب ارض» خوانده می‌شد، ولی مالکیت نداشت و کشاورزان اراضی او، رعایا و اتباع امپراتور بودند و تیماردار فقط می‌توانست مالیات‌ها و درآمدهای آن اراضی را گردآوری کند.^{۲۳}

به طور کلی در اوضاعی که از یک سو، اقتصاد پولی و خزانه مرکزی به میزان کافی توسعه نیافته بود و از سوی دیگر، غالب سپاهیان را سواره نظام تشکیل می‌دادند، شکل‌گیری نظام‌های زمین‌داری و تیمار برای حفظ و بقای سواره نظام و رده‌های بالای ارتش در ولایت‌های امپراتوری عثمانی، اجتناب ناپذیر بود. این نظام نه تنها موقوم سازمان اداری ارتش بود، بلکه عاملی تعیین کننده در نظام زمین‌داری میری و مالیات‌بندی به

شمار می آمد و در تعیین پایگاه اجتماعی دهقانان و اقتصاد زراعی در دوره اوج این اقتصاد در امپراتوری عثمانی در قرن‌های هفتم و دهم نقش مؤثری داشت.^{۲۴}

از طرف دیگر باید به این نکته توجه نمود که حکومت عثمانی می‌توانست نظام تیمار را تنها در مناطقی اجرا کند که نظام سنجاق، قانون عثمانی و دستگاه اداری حکومت عثمانی در آنها مستقر شده بود. نظام تیمار در ایالت‌های مصر، بغداد، حبشه، بصره و لحيان که تا حدی از خودمختاری محلی برخوردار بودند، برقرار نبود. عواید ایالت‌های فوق به عنوان تیمار میان سپاهیان توزیع نمی‌شد، بلکه حاکم موظف بود هر سال، مبلغ ثابتی را تحت عنوان «سالیانه» به پایتخت ارسال کند. این دسته از ایالت‌ها به ایالت‌های «سالیانه» موسوم بودند.^{۲۵}

نظام تیمار به مثابه تشکیلاتی اداری از بیگلربیگی گرفته تا سپاهی، نماینده اختیارات اجرایی سلطان در ایالت‌ها بود. سپاهیان وظایف اداری متنوعی داشتند. آنان نوعی نیروی انتظامی بودند که مسئولیت حراست از رعایا در سراسر کشور را بر عهده داشتند و در عین حال وظایف مهمی در زمینه جبايت مالیات‌ها و اجرای قوانین ارضی انجام می‌دادند. در رأس سازمان اداری هر ایالت «بیگلربیگی» قرار داشت که نماینده اقتدار سلطان در ایالت بود. کسانی که زیر نظر بیگلربیگی کار می‌کردند عبارت بودند از: تیماردفترداری (دفتردار تیمار)، دفتر کدخداسی (کدخدای دفتر) که امور مربوط به تیمارها را رفع و رجوع می‌کرد و خزینه دفترداری (دفتردار خزانه) که بر منابع درآمدی که به خزانه مرکزی تعلق داشتند، نظارت می‌کرد.^{۲۶} امپراتوران عثمانی برای اخی‌ها و دراویش نیز که به گونه‌ای در تقویت تشکیلات دولت مؤثر بودند، زمین‌هایی با حق اداره آزاد اختصاص می‌دادند.^{۲۷}

سلطان سلیمان چنین قرار داده بود که حکومت در عمل زعامت مداخله نکند، ولی توجه به تیمارها برعهده او باشد. اگر کسی مدعی زعامت بود، فرمانی به طور موقت به حکومت ولایت‌ها می‌دادند تا درباره آن رسیدگی کند و اگر پدر مدعی، سپاهی بود و عده‌ای از صاحبان تیمار و زعامت بدان گواهی می‌دادند، آن را تأیید نماید و درآمد او را معین گرداند.^{۲۸} این تصدیق نامه پس از تأیید باب عالی و صدور فرمان تصرف زعامت،

شکل قانونی می‌یافت. این نوع تیول را «تذکره لو» می‌خواندند. گاه حکام ولایت‌ها به جای تصدیق نامه، حواله به مدعی می‌دادند و او بدون حکم دیوان، محل زعامت را تصرف می‌کرد. «لطفی پاشا»، بیگلر بیگی روم ایلی این رسم را برانداخت و مقرر کرد که حکم تصرف باید از طرف دیوان صادر شود. احکام سلطان سلیمان درباره تیول‌های نظامی، منطبق با فتاوی «ابوالسعود مفتی» بود. در ایام سلیم دوم، «محمد چلبی دفتردار» این فرامین سلطانی و فتوهای مفتی را گردآورد و نام آن را «قانون نامه تیولات» گذاشت.^{۲۹} برای درست فهمیدن خصوصیت و ماهیت سیستم تیمار امپراتوری عثمانی نگاهی به تقسیم زمین در حقوق ارضی عثمانی مفید است. در امپراتوری عثمانی زمین در درجه اول دارای تقسیماتی، مانند «تیمار»، «زعامت»، «خاص»، «اوقاف» و «اوجاکلیک» بود.^{۳۰} این تقسیم بندی برحسب مقدار درآمد آنها انجام می‌شد.^{۳۱}

«اوقاف» قسمتی از اراضی دولتی بود که به اذن شاه و از طرف وزرا به مؤسسه‌های خیریه، مانند مساجد جامع، مدارس، بیمارستان‌ها و کاروانسراها می‌دادند. این اوقاف «اراضی وقفی» نیز نامیده می‌شدند. «اوجاکلیک» یا «یورتلوک» (قلمرو، ملک اربابی) برخی از قسمت‌های محله‌های مشخص بود که به افراد در طول حیاتشان واگذار می‌شد.^{۳۲} این شکل از واگذاری، زمانی که به ارث نمی‌رسید «اوجاکلیک» نام داشت، ولی اگر به ارث می‌رسید به آن «یورتلوک» (قلمرو، ملک اربابی) می‌گفتند.^{۳۳} در زمان سلطان محمد فاتح به اراضی واگذار شده به صورت اوجاکلیک، «وقف مالکانه» نیز گفته می‌شد.^{۳۴} اراضی تقسیم شده در میان کارکنان معین دولت که به جای حقوق به آنها داده می‌شد، «دیرلیک» می‌نامیدند. قسمت بزرگی از اراضی که با عنوان «دیرلیک» واگذار می‌شد، جزء اراضی تیمار بودند.^{۳۵} مأموران دولتی، شخصاً یا به وسیله مأموران خود، منافع گوناگون این اراضی را تحصیل می‌کردند. زمین‌هایی که سالانه صد هزار و یا بیشتر درآمد داشتند، «خاصه» نامیده می‌شدند و به مأموران مهمی، مانند وزرا، شاه‌زادگان و بیگلربیگی‌ها واگذار می‌گردیدند.^{۳۶} اراضی با درآمد میان بیست هزار تا صد هزار آکچا را با عنوان «زعامت» به دفترداران، سوباشی‌ها، بیگ‌ها و مأموران درجه متوسط دولت

می‌دادند. به صاحبان زعامت «زعیم» می‌گفتند و به کسانی که سابقه دریافت این‌گونه اراضی را داشتند نیز عنوان عمومی «زعیم» می‌دادند.^{۳۷}

قسمتی از اراضی زعامت به عنوان «ارپالیک» شناخته می‌شد که به افراد اداری، درباری و به افرادی با رتبه علمی بالا در زمانی که در خدمت بودند، علاوه بر حقوقشان داده می‌شد. «ارپالیک» پس از بازنشستگی و همراه با حقوق بازنشستگی واگذار نمی‌شد.^{۳۸} آنها درآمد این اراضی را از طریق «نایب‌ها» تحصیل می‌کردند. قسمتی از درآمدهای به دست آمده به نایب‌ها داده می‌شد و بقیه‌اش عاید صاحبان ارپالیک‌ها می‌شد.^{۳۹} نایب‌ها از طرف صاحبان ارپالیک‌ها تعیین می‌شدند و این انتخاب باید از سوی فرماندار تأیید می‌شد. در اولین شکل، نایب یک چهارم و یا یک پنجم از درآمدها را می‌گرفت. در دومین شکل، به خاطر موقعیت مهم شهر، نایب‌ها از درآمدهای حاصل شده به صاحبان ارپالیک ۲۰۰، ۳۰۰ و حتی ۶۰۰ کوروش شهریه (معاش) می‌دادند و بقیه آن را پس از کسر مخارج محکمه به خودشان اختصاص می‌دادند.^{۴۰}

زمین‌هایی هم که درآمد آنها از سه تا بیست هزار آقچه بود، «تیمار» نام داشت و به سواران مسلح آماده جنگ اختصاص می‌یافت. تیمار به دو صورت «آزاد» و «غیر آزاد» تقسیم می‌شد و تفاوت آن دو در این بود که صاحب تیمار آزاد اجازه داشت مالیات‌هایی را که «رسوم سر بستیه» می‌نامیدند و شامل عروسانه، رسوم برده‌ها و کنیزان، مزدگانی و ... بود، بگیرد. بهره‌برداری از اراضی تیمار به دو روش صورت می‌گرفت: زمین‌هایی که طبق سند مالکیت به اشخاص واگذار می‌شد و صاحب تیمار فقط عشر دیگر رسومات را دریافت می‌کرد؛ زمین‌هایی که صاحب تیمار، خود در آن کشت می‌کرد که آن را «مزرعه خاصه» یا «زمین خاصه» می‌گفتند. تیمار دارها حق انتقال رعایا را به تیمارهای دیگر را داشتند و می‌توانستند جزیه، حقوق گمرکی، مالیات معادن و جز آنها را گردآوری کنند.^{۴۱}

در زمان سلطان محمد فاتح و مدت‌ها قبل از آن پایین‌ترین درجه تیمار سالانه هزارا کچای بود. به فرد سپاهی در اوایل خدمت در این تیمار هزارا کچای داده می‌شد که به آن «تیمار ابتدایی» می‌گفتند. پس از سلطان محمد فاتح، درآمد تیمار ابتدایی در ایالت

روملی دو هزار و در ایالت آناتولی سیصد اکچای بود.^{۴۲} صاحب تیماری که اقطاع او تا سه هزار آقچه بود، برای ادای وظیفه نظامی در جنگ شرکت می کرد و اگر بیش از آن بود، در ازای هر سه هزار آقچه یک نفر را نیز، به جنگ می فرستاد. صاحبان زعامت و خاص در ازای هر پنج هزار آقچه یک سپاهی به جنگ می فرستادند. کسانی را که این گونه مأمور جنگ می شدند، «اشکنجی» و «جبه‌لو» می نامیدند^{۴۳} تیماردارها در جنگ، جناح چپ سپاه را تشکیل می دادند.^{۴۴}

صاحبان تیمار و زعامت درآمدهای به دست آمده از زمین‌ها و یا رعیت را به خودشان اختصاص می دادند.^{۴۵} درآمدهای زمین‌های خاصه نیز از سوی افرادی با عنوان «کدخدا»، «ووی ودا» و یا «امین» جمع آوری می شد.^{۴۶} زمین‌های واگذار شده با عنوان «زعامت» و «تیمار» به سبب این که به دولت تعلق داشت به ارث نمی رسید. درحقیقت سپاهیان مالک زمین نمی شدند و زمین‌های واگذاری را فقط برای حق تحصیل درآمدهای دولت از رعایا در اختیار می گرفتند.^{۴۷} اما بقیه تیمارها از دست صاحبانشان گرفته نمی شد.^{۴۸} به طور خلاصه برای این که واگذاری تیمار شکل فئودالی به خود نگیرد، اراضی تیمار را برای مدت طولانی به صاحبان تیمار نمی سپردند.^{۴۹}

از طرف دیگر، برای حفظ اقتدار قدرت مرکزی لازم بود تا اراضی به نحوی خاص به سپاهیان واگذار شود.^{۵۰} معمولاً، تیمار هر شخص در روستاهای مختلف یک ایالت توزیع می شد و شاید این امر، برای جلوگیری از تبدیل روستا به ملک شخصی تیماردار صورت می گرفت.^{۵۱} در بعضی مواقع، تیمار را از صاحبانش می گرفتند و به کارشان پایان می دادند. بعضی از دلایل عزل صاحبان تیمار عبارتند از: انتخاب صاحب ارض (به صاحب تیمار، صاحب ارض نیز می گفتند) برای اقامت در سنجق دیگر، اقامت سپاهی در یک سنجق در حالی که در سنجقی دیگر، تیمار داشت، در این گونه موارد سپاهی عزل می شد و تا دو سال بعد از عزل حتی تیمار محلول (تیماری که بعد از مرگ صاحب آن، وارثی برای او وجود نداشت) نیز به او نمی دادند. اگر صاحب ارض در هنگام جنگ در نبرد شرکت نمی کرد، عزل می شد و زمین را از او می گرفتند. هم چنین در صورتی که صاحب ارض،

زمین را برای سه سال متوالی رها می‌کرد، زمین به شخص دیگری واگذار می‌شد.^{۵۲} اساس و اصول مربوط به تقسیم تیمار و زعامت به طور خلاصه عبارت بودند از: به فرزندان صاحبان تیمار و زعامت که در قید حیات بودند به طور جداگانه «دیرلیک» نمی‌دادند؛ بلکه فرزندان آنها بعد از فوت پدرانشان مالک دیرلیک آنها می‌شدند.^{۵۳} از لحاظ شکلی نیز تیمار به دو شکل تیمار تذکره لو (با مجوز) و تذکره سیز (بدون مجوز) تقسیم می‌شد. تیمارهای بدون تذکره، تیمارهای با قیمت فوق العاده پایین بود. این تیمارها مستقیماً از سوی بیگلربیگ‌ها داده می‌شد. البته، واگذاری تیمارها از سوی بیگلربیگ‌ها، همیشه شکل آزادانه نداشت. تیمارهای بزرگ از طرف پایتخت داده می‌شد و به این تیمارها «با تذکره» می‌گفتند. در این گونه تیمارها، بیگلربیگی پس از اثبات سپاهی بودن شخص، به او تذکره‌ای می‌داد و شخص با این تذکره، تیمار خود را از پایتخت می‌گرفت.^{۵۴} در سال‌های پس از سلطنت سلیمان قانونی بر اساس نوشته‌های ارضی و ارقام ارائه شده در بودجه سال مالی ۱۵۲۷-۱۵۲۸، درآمدها بر ۵۳۷۹۲۹۰۰۶ آکچای بالغ شد که از مجموع درآمدهای ثبت شده ۳۷٪ در تصرف ۳۷۵۲۱ صاحب تیمار بود.

ایالت‌ها	مجموع درآمدهای داده شده ایالت‌ها	املاک و خاصه‌های وقفی شاه املاک خاصه ↓ % ↓		خاصه‌های امرا، زعامت و تیمارها	اعداد
روملی	198.206.192	48	6	46	17.288
آناطولی، ذوالقدر، روم	129.624.973	26	17	56	16.468
دیاریکر	22.778.513	31	6	63	1.071
حلب، شام	51.859.274	48	14	38	2.694
مجموع	402.468.916	39.9	10.3	49.8	37.521
مصر	135.460.054	86	14	-	-
مجموع کلی	537.929.006	51		37	37.521

جدول شماره ۱: مجموع درآمدهای دولت عثمانی و تقسیم آن در بین ایالت‌ها بر

اساس بودجه سال مالی (۱۵۲۸ - ۱۵۲۷)^{۵۵}

وظایف صاحبان تیمار در امپراتوری عثمانی

صاحبان زعامت و تیمار ملزم به ترک محل اقامت خود و اقامت در محل واگذار شده، بودند. آنها در مقابل اراضی واگذار شده، وظایف متنوعی بر عهده داشتند که بنا به ضرورت باید آنها را انجام می دادند. وظایف صاحبان نظامی تیمار و صاحبان اراضی زعیم، شامل وظایف نظامی (فراهم کردن سرباز)، وظایف مالی، اداری و اقتصادی بود. پیش از هر چیز مقصود از ایجاد نظام تیمار، تدارک نیرو برای ارتش سلطان بود، کاری که از طریق حفظ نیروی سواره نظام گسترده و تحت نظارت حکومت مرکزی صورت می گرفت. سپاهیان تیماردار مرکب خود را داشتند و مجهز به کمان، شمشیر، سپر، نیزه و علم بودند.^{۵۶}

در حقیقت «تیمار» معادل حقوقی بود که در ازای خدمات نظامی دائمی سربازان و افسران و تأمین هزینه‌های آنان و ملازمتشان که برای شرکت در جنگ آماده بودند، تهیه سلاح‌ها، تدارکات و آذوقه مورد نیاز این افراد در جنگ به آنها داده می شد و در نتیجه خزانه از این بابت متحمل هزینه بیشتری نمی شد.^{۵۷} صاحبان تیمارها با درآمد سه هزار اکچای باید یک جبلو (سرباز زره دار) را به جنگ‌ها اعزام می کردند و در ازای هر سه هزار اکچای باید یک نفر دیگر را نیز به جنگ می فرستادند.^{۵۸}

این شکل از تیمار که در آن صاحبان تیمار ملزم به ترک شهرهای خود و اقامت در اراضی تیمار و ارائه خدمات نظامی در مقابل دریافت تیمار بودند، تیمار «اشکنجو» نامیده می شد. صاحبان تیمار اشکنجو در هنگام جنگ، همراه با «جبه لوها» حضور می یافتند.^{۵۹} به غیر از این موارد، مواردی مانند «تیمار مستحفظ»، «تیمار خدمت»، «تیمار منسوحات» و... نیز در امپراتوری عثمانی یافت می شد.

صاحبان این تیمارها نیز باید وظایف خاصی را انجام می دادند.^{۶۰} بعضی از صاحبان این تیمارها همراه با نظارت بر ساخت راه‌های روستایی و پل‌ها به افزایش محصولات کشاورزی و میزان ثروت کمک می کردند.^{۶۱} در همان زمان درآمدهای عشر و خراج که دارای نام‌های متنوعی، مانند «رسم» بودند، مطابق قانون بر اساس مقدار ثبت شده در دفترهای توزیع، جمع آوری می گردید.^{۶۲} بعد از صرف قسمتی از درآمدهای جمع آوری

شده در نیازهای محلی، درآمد خالص باقی مانده به مرکز فرستاده می‌شد.^{۶۳} درآمدهای به دست آمده توسط صاحبان تیمار در امپراتوری عثمانی در آغاز بر اساس دو شکل تیمار «سربست» و «غیر سربست» تقسیم می‌شد. به تیمارهای واگذار شده به مقامات رتبه بالا، مانند وزیر، بیلربی، سنجق بی، نشانجی، دفتردار و برخی مأموران که دارای امتیازهای مالی و اداری بودند، «تیمارهای سربست» می‌گفتند. این نوع تیمارها قابل معامله بودند.^{۶۴} در این تیمارها، چون در ابتدا عشر و خراج را می‌گرفتند نام‌هایی، مانند «رسوم سربستیه»، «نیابت» و «بادهوا» (باد هوا در مالیه عثمانی، اصطلاحی عام برای درآمدهای نامستمر و اتفاقی از محل جرایم و عوارض و حق الثبت‌ها و سایر منابع غیر معمول بود) به آنها می‌دادند و به خاطر دسته‌ای از درآمدها با تیمارهای سپاهی معمولی فرق داشت. اساس درآمدهای داده شده با نام «رسوم سربستیه» را پول‌های جریمه به نام «جرم و جنایت» و یا «جریمه» و یا «خون بها» تشکیل می‌داد. در تیمارهای سربست این درآمدهای از سوی صاحبان تیمار گرفته می‌شد. در تیمارهای غیر سربست، نیمی از آن متعلق به صاحب تیمار و نیمی دیگر متعلق به سوباشی یا سنجاق بی بود.^{۶۵} از طرف دیگر، درآمدهایی با نام‌هایی، مانند «رسم عروس» و «یاوه» نیز جزء رسوم سربستیه محسوب می‌گردید.^{۶۶}

تیمارهایی را که درآمدهای رسوم سربستیه و باد هوا توسط صاحب آن گرفته نمی‌شد، «تیمار بدون سربست» می‌نامیدند. این تیمارها بیشترین نوع تیمار را تشکیل می‌داد. درآمدهای تحصیل شده به دست این‌ها عبارت از عشر و خراج بود. در تیمارهای بدون سربست اگر جزایی که جریمه نام داشت تحصیل می‌شد، نیمی از آن متعلق به صاحب تیمار و نیمی دیگر متعلق به سوباشی و یا سنجق بی بود.^{۶۷}

مهم‌ترین مالیات‌هایی که رعایا به مالکان تیمار می‌پرداختند، «چفت رسمی»، «اسپنجه» (خمس) و «عشریه» بود. با این که در قانون عثمانی، مقامات محلی از بهره‌کشی دهقانان منع می‌شدند، روستاییان مجبور به انجام برخی بیگاری‌ها (انگاریه‌ها)، مانند تهیه علفه اسب‌ها، کار بر روی چفتلیک خاص، بنای خانه‌های سپاهیان و حمل

عشریه‌ها به بازار بودند که در قبال این خدمات دست‌مزدهای نقدی می‌گرفتند. روابط رعایا و تیماردارها و حقوق آنان، به تفصیل در قانون نامه‌های عثمانی بیان شده است. حکومت برای تضمین درآمدهای خود، شماری از اختیاراتش نسبت به رعایا را به سپاهیان واگذار می‌کرد. تیمار واگذار شده به سپاهیان هم شامل زمین بود و هم کشاورزان را در بر می‌گرفت. قانون نامه هر سنجاق، فهرست مالیات‌ها و خدمات دهقانان را مشخص می‌کرد و سپاهی قادر به تحمیل مالیات و خدمات دیگری نبود. حکومت برای این مورد اهمیت زیادی قائل بود.^{۶۸}

تیمارها نه تنها به سربازان، بلکه به عنوان نوعی از مواجب و حقوق به مقام‌های درباری و حکومتی نیز واگذار می‌شدند. برای نمونه «چاووش‌ها»، «متفرقه‌ها» و «منشیان دوایر حکومتی» می‌توانستند تیمار و زعامت دریافت کنند و سلطان حتی می‌توانست، ذیل عنوان‌هایی از قبیل پول کفش (باشماق آقچه سی) یا پول هیزم (اودن آقچه سی)، عواید اراضی تیمار و خاص را به دست پرودگان خود واگذار کند.^{۶۹}

عثمانی‌ها از دفتر سنجاق آلبانی در سال‌های ۱۴۳۲ - ۱۴۳۱ میلادی به عنوان الگو برای روشن شدن و ترتیب آمارگیری‌ها استفاده می‌کردند. این منطقه در زمان «با یزید اول» و «محمد اول» آمارگیری شده بود و در آن سال سلطان «محمد دوم» دستور داد آمار تازه‌ای تهیه شود که این کار تحت نظر «عمر بیگ» پسر «ساروق پاشا» انجام شد. عمر پس از رسیدن به آلبانی، تمام تیمار داران سنجاق را به حضور خواند و آنان با اسناد خود که مهم‌ترین آنها، فرمان سلطان خطاب به بیگلربیگ یا سنجاق بیگ و یا معاون او بود حاضر شدند.

بررسی تحریر منطقه آرگیری قصر در آلبانی معلوم می‌سازد که سلطان چگونه تعداد افراد و قدرت نظامی را برآورد می‌کرد و هم چنین اطلاعاتی راجع به اشخاصی که تیماردار بودند به دست می‌آورد. در سال ۱۴۳۲ میلادی این منطقه به صد و پنجاه و دو تیمار تقسیم شد که برخی از تیمارها به دو یا سه نفر داده شده بود و حصه‌ای را نیز برای تأمین هزینه سنجاق آلبانی اختصاص داده بودند. درآمد حصه دویست و پنجاه هزار آقچه در سال

بود که متصدی آن باید سی و دو سوار جنگی، کاملاً مجهز و دو دست زره و سه دستگاه چادر و یک آشپزخانه صحرایی بدهد. هر سوار زین، برگ و اسلحه خود را که تیر و کمان، شمشیر، سپر و گرز بود، تهیه می کرد.

از سی و دو تیماری، هفده عدد که درآمدی در حدود ۱۲۰۰ آقچه داشتند فقط مخارج خود را از لحاظ اسلحه و لوازم تأمین می کردند و آنهایی که درآمدی حدود ۱۸۵۰ آقچه داشتند یک غلام اضافه همراه می بردند و اگر درآمد متوسط ۲۲۵۰ آقچه‌ای بود، افرادی با اسلحه سنگین و یک اسلحه سبک می دادند و اگر تیماری بیش از ۳۰۰۰ آقچه درآمد داشت، افراد بیشتری می دادند.

سلطان محمد فاتح، سی و چهارهزار تیماری در دوره سلطنتش داشت و سلطان سلیمان که ایالت‌های غربی را نیز تصرف کرده و آنها را از تیمار معاف داشته بود، چهل هزار تیماری در اختیار داشت.^{۷۰} سپاهیان زمین‌دار هر منطقه، بسته به شرایط به چند دسته تقسیم می شدند. هر دسته یک فرمانده به نام «سوباشی» و یک پرچمدار و یک گروهبان داشت. هر ده دسته تحت فرماندهی یک «آلای بیگی» بودند. آلای بیگ‌های هر منطقه به هنگام جنگ، تحت فرماندهی فرمانداران منطقه که معمولاً از شاهزاده‌ها بودند و «چلبی سلطان» نام داشتند و یا تحت فرماندهی بیگلربیگی عازم میدان جنگ می شدند. یک دهم تعداد سپاهیان هر منطقه به نوبت برای حفاظت و آرامش منطقه و برای انجام کارهای کسانی که به جنگ رفته بودند از رفتن به جنگ معاف می شدند و در منطقه می ماندند و بر کشت و کار نظارت می کردند. اگر ضرورت جنگ ایجاب می کرد که سپاهیان زمستان را در میدان جنگ باشند از میان آنها عده‌ای به نام «خرجلیق جی» به منطقه باز می گشتند و پس از جمع‌آوری و تأمین هزینه آنان، دوباره به میادین نبرد مراجعت می کردند.^{۷۱}

در سال ۹۳۴هـ ق / ۱۵۲۷ م، بلافاصله پس از جلوس سلیمان، شمار مالکان تیمار در سراسر امپراتوری ۳۷۵۲۱ تن بود که تعداد ۲۷۸۶۸ تن از آنان از سپاهیان رسمی محسوب می شدند و همراه با ملازمانشان سواره نظامی به استعداد تقریبی ۷۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰ نفر را

تشکیل می‌دادند. علاوه بر این ۹۶۵۳ تن از مالکان تیمارها در پادگان‌های قلعه‌ها خدمت می‌کردند که از این تعداد ۶۶۲۰ نفر در اروپا، ۲۶۱۴ نفر در آناتولی و ۴۱۹ نفر در جهان عرب مستقر بودند. در همین زمان، مالکان تیمارها چهل و شش درصد از کل درآمد مالیات‌های اراضی در روملی، پنجاه و شش درصد در آناتولی و سی و هشت درصد از این درآمد را در جهان عرب به خود اختصاص می‌دادند. در سال ۱۰۱۶ هـ ق / ۱۶۰۷ م، عین علی افندی گزارش کرد که حدود ۴۴۴۰۴ تیمار، سواره نظامی به استعداد ۱۰۵۳۳۹ تن در اختیار دارند.^{۷۲}

کارکردهای نظام تیمار در امپراتوری عثمانی

تیمارداری که پایه و اساس امور اداری و قدرت نظامی امپراتوری عثمانی بود برای ثبات و تداوم دستگاه آنان نقش بزرگی ایفا می‌کرد. هر دو دستگاه اداری و تشکیلات نظامی امپراتوری عثمانی ارتباط مستقیم و نزدیک با سیستم تیمار داشت. سلاطین عثمانی مشکل ایجاد نیروی نظامی بزرگ را با برقراری تیمار برای لشکریان حل کردند و بدون این که احتیاج به نقدینگی زیاد داشته باشند، خزانه‌داری را از مسئله بزرگی فارغ ساختند. اهمیت این مسئله، زمانی دو چندان می‌شود که بدانیم اقتصاد عثمانی همواره گرفتار مشکل تهیه فلزهای قیمتی برای پرداخت حقوق به پول نقد بود.^{۷۳} بنابراین، سیستم تیمار تشکیلات سواره نظام «تیمارلی» را به وجود آورد. سواره نظام تیمارلی از استوارترین پایه‌های دولت عثمانی بود و در گسترش و عظمت این امپراتوری، نخستین نقش را برعهده داشت. دولت عثمانی با مشاهده علاقه و فعالیت سپاهیان تیماری که در جنگ‌ها نقش مهمی داشتند به میزان تیمارشان می‌افزود و مقامشان را ارتقاء می‌داد و پس از مرگشان، رفاه فرزندان و خانواده‌اش را از یاد نمی‌برد.^{۷۴}

به این ترتیب نه تنها تأمین نیروی فراوان برای لشکرکشی‌ها فراهم گردید، بلکه حسن دیگر آن، وظایف مهمی بود که در حکومت‌های محلی ایالتی و ولایتی از طرف تیمارداران اجرا می‌شد. از جمله مهم‌ترین این وظایف، گرفتن مالیات بود. وصول مالیات اراضی تیمار

و واگذاری آنها که از طرف حکومت مرکزی صورت می‌گرفت بر اساس گزارش‌های حساب‌برسان مخصوص این امر در ایالت‌ها بود که اساس سازمان اداری عثمانی به شمار می‌رفت و آن را «تحریر» می‌خواندند. «تحریر» پس از فتح هر منطقه، زمان به سلطنت رسیدن سلطان جدید و یا زمان‌هایی که تغییرات کلی در منطقه یا سنجاقی ایجاد می‌شد، مورد تجدید نظر قرار می‌گرفت. یکی از فواید تحریر و سیستم تیمار این بود که سلطان همواره از تعداد نیروهای جنگی مطلع می‌شد. بررسی تحریر منطقه آرگیری قصر در آلبانی معلوم می‌سازد که سلطان چگونه تعداد نیروها و قدرت نظامی را برآورد می‌کرد و هم چنین، اطلاعاتی راجع به اشخاصی که تیماردار بودند به دست می‌آورد.^{۷۵}

امور اداری تیمارها شبیه دستگاه نظامی بود و اوامر سلطان از طریق بیگلربیگی، سنجاق بیگ و معاونش به تیماری می‌رسید. قریب یک سوم درآمد جمع‌آوری شده در ایالت‌ها برای تأمین هزینه تیماری‌ها بود و بقیه برای هزینه دولت و مرکزی به سلطان تعلق داشت. تیماری‌ها در دهات بر جمع‌آوری مالیات، حفظ امنیت محل و سرکوبی راهزنان نظارت می‌کردند. امنیت و حفظ آرامش برای کشت و زرع که منبع مالیات بود، اهمیت بسیار داشت و بیشتر به کمک ملازمان تیماردار صورت می‌گرفت. به این منظر تیماری موظف بود بر کار کشاورزان نظارت کند تا زمین بیشتری را بکارند و از محل خود مهاجرت نکنند و هم چنین، او باید بر تعداد آنها می‌افزود.^{۷۶}

بنابراین، سیستم تیمار و تحریر عثمانی تداوم و ثبات دستگاه را که بسیار مهم است، فراهم می‌کرد. برای بیان اهمیت نظام تیمار و نقش آن در کسب و تولید ثروت در امپراتوری عثمانی، می‌توان به این سخن مصطفی نعیمه، تاریخ‌نگار عثمانی در قرن ۱۱ هـ ق / ۱۷ م استناد کرد که در بیان مفهوم «دور عدالت» می‌نویسد:

ملک یا دولت بدون سپاهی نمی‌تواند برقرار باشد. حفظ و نگهداری سپاه

مستلزم ثروت است و مردم نمی‌توانند به سعادت و رفاه دست یابند مگر در سایه

عدالت و عدالت برقرار نخواهد شد مگر در سایه ملک و دولت.

بنابراین کسب و تولید ثروت به منظور برقراری دولت و فرمان روا و تأمین عدالت در میان مردم از مبانی سازمان و مشی سیاسی دولت عنوان شد.^{۷۷}

تغییر کارکردهای نظام تیمار در قرن ۱۶ م (تبدیل آن به التزام) و سپردن مسئولیت گردآوری مالیات و اجاره زمین‌های دولتی به طبقه اعیان یا سرشناسان محلی موجب گسترش ثروت، حوزه نفوذ و قدرت این طبقه در قرون ۱۷ و ۱۸ گردید. کمال کاپارت معتقد است که علت بنیادی رویکرد دولت مرکزی عثمانی به نوسازی و نوگرایی، ناتوان ساختن عملی طبقه اعیان بود. دولت مرکزی با بودن اعیان در چنان موقع و موضع نیرومند اجتماعی نمی‌توانست بر کشاورزان و منابع درآمدی دولتی، حکومت مستقیم داشته باشد. کاپارت در پژوهشی دیگر می‌افزاید که این گونه پیوند میان اعیان و دولت مرکزی، گرایش خودمختاری در میان اعیان پدید آورده بود و این عاملی بس خطرناک برای دولت مرکزی به شمار می‌آمد.^{۷۸}

دلایل فروپاشی سیستم تیمار در امپراتوری عثمانی

سیستم تیمار که از زمان تشکیل امپراتوری عثمانی، اساس سیستم اداری مالی و نظامی بود به سبب برخی تحولات در شیوه تیمارداری ولایت‌های امپراتوری در دوران متأخر (به خصوص از اواخر قرن ۱۶ م)، شروع به اضمحلال کرد.^{۷۹} بعضی از پاشاها و والیان ایالت‌ها به جای ارسال عده معینی سپاه به باب عالی، در برابر درآمدهای املاک و ولایت‌هایی که در تصرف داشتند، مبلغی معلوم به دیوان امپراتوری می‌فرستادند و این تحول باعث استقلال طلبی و قدرت یابی پاشاها و خاندان‌های حاکم در بعضی از ولایت‌ها، چون مصر و سوریه شد.

به گزارش هامر پورگشتال،^{۸۰} دو تن از وزیران بی‌کفایت عثمانی، قوانین قدیمی تیولات لشکری؛ یعنی تیمار و زعامت را بر هم زدند تا سرانجام پس از انحلال سپاه ینی چری و جای‌گزینی نظام جدید در ۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م، به کلی لغو شد.^{۸۱} دلایل اضمحلال «نظام تیمار» در امپراتوری عثمانی را می‌توان به دلایل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی

تقسیم‌بندی کرد.

اسباب سیاسی - اجتماعی

الف) اولین دلیل خرابی سیستم تیمار این بود که اراضی تیمار و یا درآمدهای آن از طرف اشخاص با نفوذ ضبط شد. هم چنین «دیرلیکها» خدمت نظامی ارائه نمی‌دادند و قابلیت خرید و فروش پیدا کردند.^{۸۲}

ب) در واگذاری تیمارهای خالی مانده (مانند مواردی که صاحب تیمار بیش از سه سال متوالی اقدامی در مورد تیمار انجام نمی‌داد یا این که به سنجق دیگری اعزام می‌شد) به دلایل فراوان کارهای نادرست اداری متنوعی انجام می‌شد. به خاطر حقوق حاصل از واگذاری تیمارها برای صاحبانشان، با رشوه یا اعمال نفوذ به کسانی که فاقد تیمار بودند، تیمارهایی واگذار می‌شد.

به سبب این اعمال نادرست اداری «دفتر امین‌ها» و یا آن چه که در اشکال بعدی «دفتر امین‌های حکانی» نامیده شد، به وجود آمد.^{۸۳} چنان که در نصیحت‌نامه‌ها و رساله‌های فراوانی که در این دوران نوشته می‌شود و هم چنین در لایحه‌هایی که به شاهان عرضه می‌گردد به کرات به بازسازی سیستم تیمار اشاره شده است.^{۸۴} مصطفی کوچی بی در رساله‌ای که در ۱۶۲۵م برای پادشاه عثمانی نوشت، خرابی سیستم تیمار را به این شکل توضیح می‌دهد:

واگذاری تیمارها و زعامت‌های خالی مانده از طرف استانبول، مغایر با قانون‌های قدیمی واگذاری تیمار است. مسئولان و وکلا، زمین‌های خالی مانده را به نزدیکان خود داده و در انتخاب تیمار و زعامت‌های موجود در مملکت اسلام برخلاف شریعت و قانون‌های قبلی عمل می‌کنند. چه کسانی را جزء خواص شاه می‌کنند؟ به چه کسانی ملک می‌دهند؟ به چه کسانی وقف می‌دهند و چه کسانی را با وجود سلامتی بازنشسته می‌کنند؟ تمام زعامت‌ها و تیمارها

طعمه مسئولان شده است.^{۸۵}

ج) یکی از دلایل مهم اضمحلال سیستم تیمار، توقف فتوح امپراتوری به علاوه کاهش درآمدهای سرزمین‌های مفتوحه است. امپراتوری عثمانی در اواسط قرن ۱۶م از سرزمین‌های وسیعی استفاده می‌کرد و مرزهای آن به سرعت گسترش می‌یافت و در این وضع امپراتوری به منابع جدید درآمد نیاز داشت. در این زمان دولت عثمانی به این دلایل و با هدف حفظ درآمدهای دولت، تیمارها را در مقابل بدل‌های قبلی به التزام تبدیل کرد و نابسامانی سیستم تیمار را کماکان حفظ نمود.^{۸۶}

این دگرگونی به نوبه خود، شیوه جدیدی در نظام مالیاتی پدید آورد و در دنبال آن طبقه‌ای به نام اعیان یا سرشناسان محلی پدید آمد. نظام زمین‌داری که دگرگون شد مسئولیت گردآوری مالیات و اجاره زمین‌های دولتی به کشاورزان برعهده اعیان قرار گرفت و این امتیازها سبب گسترش ثروت، حوزه نفوذ و قدرت آن طبقه گردید. این امتیازها از سوی دولت مرکزی بدان‌ها واگذار شد؛ زیرا با کمک آنان بود که گردآوری مالیات برای دولت عملی می‌شد. دامنه نفوذ اعیان در سده ۱۸ م گسترش بسیاری یافت تا آن جا که نگرانی و بیم حکومت را در پی داشت و خود از عوامل رویکرد دولت عثمانی به نوسازی برای کنترل این جریان گردید.^{۸۷}

د) یکی دیگر از دلایل این اضمحلال، افزایش جمعیت در این زمان است. بر اساس اطلاعات در قرن ۱۶ م، جمعیت امپراتوری عثمانی افزایش زیادی یافت. در اواخر دوران پایانی فتوح، عدم الحاق زمین‌های جدید به امپراتوری و افزایش جمعیت سبب آشفستگی کار تیمارها، رواج رشوه و درخواست‌های فراقانونی برای اخذ اراضی تیمار گردید.^{۸۸}

جمعیت امپراتوری فقط طی قرن ۱۰ هـ ق / ۱۶ م، تقریباً دو برابر شد. در همین زمان بود که افزایش‌های مشابهی در جمعیت سرزمین‌های حاشیه مدیترانه اتفاق افتاد. البته پیش از آن عثمانی‌ها بارها طی حکومتشان با پدیده افزایش اساسی جمعیت مانند مهاجرت انبوه قبایل ترکمن، روبه‌رو شده بودند، اما این جمعیت مهاجر، دیگر بار در سلک غازیان و

یا به دلیل تبعیدهای دسته‌جمعی، سرزمین‌های عثمانی را ترک می‌کردند. اما طی قرن ۱۰ هـ ق / ۱۶ م زمانی که مهاجرت عشایر ترکمن آواره کاهش یافت، مشکلات ازدیاد جمعیت بیشتر از افزایش شدید میزان مولید و کاهش میزان مرگ و میر ناشی می‌شد و این امر از یک دوره، صلح و امنیت در امپراتوری عثمانی و کاهش شیوع طاعون نشأت می‌گرفت. بنابراین، میزان جمعیت خواستار کار و زمین، بسیار فراتر از امکانات امپراتوری بود. اگر چه میزان رشد جمعیت، عاقبت کاهش یافت، پیش‌روی به سوی غرب دیگر مفر مطمئنی نبود و در عین حال بازگشت نیروهایی که در نبردها شرکت کرده و با کاربرد سلاح‌ها آشنا شده بودند، تنها بر میزان فشارها می‌افزود.^{۸۹}

ه) از طرف دیگر، فعالیت‌های امانتداریهای دفتر موظف نیز باعث خرابی سیستم تیمار شد. آینی علی افندی که امین دفتر حکانی بود در این باره می‌نویسد:

زمان مأمور شدنم برای امینی دفتر حکانی، آن را بسیار مغشوش و تصحیح ناشدنی یافتم. اگر تیمار محلول (تیماری که بعد از مرگ صاحب تیمار، وارثی برای آن وجود نداشت) به کسی داده می‌شد، او به طرق مختلف قادر به تصاحب آن نمی‌شد، چون که یک تیمار در یک زمان در برات چندین فرد نوشته می‌شد. و همه آنها ادعای آن تیمار محلول را داشتند.^{۹۰}

و) عوامل دیگری، مانند سهل‌انگاری و رشوه‌خواری بیگربیگی‌ها در واگذاری تیمار و نیز اعطای تیمار به کارکنان و مقام‌های درباری، مانند «چاووش‌ها»، «قوناچی‌ها»، «کاتبان» و گاه به افراد بی‌صلاحیت درباری، مانند «دلک‌ها» و هم چنین اختصاص درآمد تیمارها به خزانه دولتی با عنوان «مقاطعه میریه» یا «وقف» باعث انحطاط نظام تیمار و کاهش تعداد سواره نظام تیمارلی شد و در نهایت موجب آسیب دیدگی سخت نیروی دفاعی کشور عثمانی گردید.^{۹۱}

ز) تیمارها نه تنها به سربازان، بلکه به عنوان نوعی از مواجب و حقوق به مقام‌های درباری و حکومتی نیز واگذار می‌شدند. برای نمونه «چاووش‌ها»، «متفرقه‌ها» و «منشیان

دوایر حکومتی» می‌توانستند تیمار و زعامت دریافت کنند و سلطان حتی می‌توانست ذیل عناوینی از قبیل پول کفش (باشماق آقچه سی) یا پول هیزم (اودن آقچه سی)، عواید اراضی تیمار و خاص را به دست پرودگان خود واگذار کند. در نیمه دوم سده ۱۶م، واگذاری تیمارها برای مقاصد غیر نظامی افزایش یافت و این امر از عوامل مهم فروپاشی نظام تیمار بود.^{۹۲}

ح) از آغاز سیستم تیمار با این دلایل دچار آشفتگی شد و برای اولین بار این اضمحلال در تاریخ ۱۷۰۳م در جزیره کرت خود را نشان داد. هم چنین، تیمارهای واقع در دیگر نقاط امپراطوری از ۱۸۱۲، به بعد که محلول شدند، درآمدی ندادند.^{۹۳} بعدها سیستم تیمار که با تغییرهای ایجاد شده در مرزهای عثمانی ادامه یافته بود در ۱۸۳۹م از طرف محمود دوم، هم‌زمان با خط شریف گل‌خانه کنار زده شد و به جای آن تحصیل درآمدها مطابق اصول جدید انجام شدند.^{۹۴}

اسباب اقتصادی

الف) از دیگر دلایل مهم خرابی سیستم تیمار، می‌توان به مسائل ناشی از اشکال‌های مالی اشاره کرد. برای غلبه بر این مشکل، برای تیمارها زعیم جدید تعیین شد و صاحبان تیمار ملزم به کوچ به تیمارهای خود شدند. بعدها این اراضی به طور کامل از صاحبان تیمارها گرفته شد و به التزام داده شد.^{۹۵} در رساله‌ای که در ۱۶۲۵ م برای سلطان عثمانی نوشته می‌شود، «اشکال‌های مالی» که منجر به خرابی سیستم تیمار شده‌اند به این صورت توضیح داده می‌شود:

واگذاری تیمارها و زعامت‌های خالی مانده از استانبول مغایر با قانون‌های قدیمی واگذاری انجام می‌شود. مسئولان، زمین‌های خالی را به منسوبان و نزدیکان خود می‌دهند و در واگذاری تیمار و زعامت در مملکت اسلام برخلاف شریعت و قانون‌های قبلی عمل می‌کنند.^{۹۶}

ب) از طرف دیگر، بحث «تیمارهای وقفی» یا «شخصی» علیه این سیستم کار کرد.^{۹۷}

ج) ارزش گذاری تیمارها با پول سبب شد تا خواسته های صاحبان تیمار معاشی شود. ارزش گذاری با پول در آغاز از افزایش طلب های خارجی و تولید محلی سرچشمه می گرفت.^{۹۸}

د) بعدها در نتیجه کاهش ارزش واقعی تیمار و هزینه های بالای تجهیزات و تورم، توان مالی سپاهیان تحلیل رفت. بایگانی های عثمانی، حاکی از افزایش شمار سپاهیان است که به زور از رعایای خود مالیات مطالبه می کردند و به راهزنان می پیوستند.^{۹۹} در نهایت باید گفت که در میانه سده ۱۶ م نظام زمین داری در عثمانی دچار از هم پاشیدگی گردید و دگرگونی های بنیادی از همان آغاز شد؛ زیرا نظام زمین داری ساختار اقتصادی - اجتماعی عثمانی را تشکیل می داد. این از هم پاشیدگی زائیده دگرگونی های اقتصادی و فنی، مانند به کار بردن سلاح های گرم بود و این امر سبب شد تا نهاد «سپاهی» که از سلحشورانی تشکیل می شد که سررشته داران زمین های دولتی بودند، اهمیت خود را از دست دهد. این دگرگونی به نوبه خود شیوه جدیدی در نظام مالیاتی ایجاد کرد و در ادامه، طبقه ای به نام اعیان یا سرشناسان محلی را پدید آورد. نظام زمین داری که دگرگون شد، مسئولیت گردآوری مالیات و اجاره زمین های دولتی به کشاورزان، به اعیان واگذار گردید و این امتیازها سبب گسترش ثروت، حوزه نفوذ و قدرت این طبقه شد و سرانجام مسائلی را رقم زد که از حوزه ثبت این پژوهش بیرون است.^{۱۰۰}

نتیجه گیری

نظام تیمار که از سلجوقیان به عثمانی راه یافت، پایه و اساس دستگاه اداری، نظامی و مالی امپراتوری عثمانی را تشکیل می داد و برای ثبات و تداوم آن نقش بارزی ایفا می کرد. در واقع بخش بزرگی از قلمرو امپراتوری عثمانی از اقطاع های جنگی تشکیل می شد. پیش از هر چیز مقصود از ایجاد نظام تیمار، تدارک نیرو برای ارتش سلطان بود، کاری که از

طریق حفظ یک نیروی سواره نظام گسترده و تحت نظارت حکومت مرکزی صورت می‌گرفت.

به طور کلی در اوضاعی که از یک سو، اقتصاد پولی در دولت عثمانی به قدر کافی توسعه نیافته بود و از سوی دیگر، غالب سپاهیان را سواره نظام تشکیل می‌دادند، شکل‌گیری نظام تیمار برای حفظ و بقای رده‌های بالای ارتش در ولایت‌های امپراتوری عثمانی اجتناب ناپذیر بود.

نظام تیمار نه تنها موقوم سازمان اداری ارتش بود، بلکه عاملی تعیین کننده در نظام زمین‌داری میری و مالیات‌بندی به شمار می‌آمد و در تعیین پایگاه اجتماعی دهقانان و اقتصاد زراعی در دوره اوج این اقتصاد در امپراتوری عثمانی نقش مؤثری داشت.

نظام تیمارداری که از زمان تشکیل امپراتوری عثمانی اساس سیستم اداری، مالی و نظامی آنها را تشکیل می‌داد از اواخر قرن ۱۶ م به سبب برخی تحولات در شیوه تیمارداری ولایت‌های امپراتوری، به تدریج رو به ضعف نهاد.

استقلال طلبی و قدرت‌یابی پاشاها و خاندان‌های حاکم در بعضی از ولایت‌ها، چون مصر و سوریه، ضبط اراضی تیمار و یا درآمدهای آن از طرف اشخاص با نفوذ، فعالیت‌های نادرست اداری در رابطه با تیمارها، توقف فتوح امپراتوری به علاوه کاهش درآمدهای سرزمین‌های مفتوحه، افزایش جمعیت و اشکال‌های فراوان مالی در امور واگذاری تیمارها از دلایل فروپاشی سیستم تیمار در امپراتوری عثمانی به شمار می‌آیند. با فروپاشی سیستم تیمار در نیمه اول قرن ۱۹ م، دولت عثمانی نیز ثبات و تداوم خود را از دست داد تا این که در سال ۱۹۲۴ م به کلی از بین رفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. صادق سجادی، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی، بی‌تا، ص ۱.
۲. خلیل اینجالق، *امپراطوری عثمانی در عصر متقدم ۱۳۰۰ - ۱۶۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت، ۱۳۸۸، ص ۳۳۴.
۳. صادق سجادی، پیشین.
4. Halil İnalçık; “İslam Arazi ve Vergi Sisteminin Teşekkülü ve Osmanlı Devrindeki Şekillerle Mukayesesi”, İslam İlimleri Enstitüsü Dergisi, c. 1, S. 1, 1978, p 43.
۵. ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، *احکام السلطانیة*، قاهره: مطبعه الوطن، ۱۲۹۸ هـ ق، ص ۲۱۶.
۶. صادق سجادی، پیشین، ص ۲.
۷. همان، ص ۱.
۸. اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، *تاریخ عثمانی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۷ - ۱۴۹.
9. Halil Cin, *Osmanlı Toprak Düzeni ve Bu Düzenin Bozulması*, Ankara, 1978, p 87.
10. Fuad Köprülü, *Bizans Müesseselerinin Osmanlı Müesseselerine Tesiri*, İstanbul: Ötüken Neşriyat A.Ş. Matbaası, 1981, p 94.
11. Ö. Lütfi Barkan, “Tımar”, *İslam Ansiklopedisi*, C. 5/2, 1981, p 286.
12. Koprulu, 1981, p 181.
۱۳. اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، پیشین، ص ۴۸ - ۴۹.
14. Can AKTAN, *Türk Dünyası Araştırmaları Dergisi*’ (Ekim-

1986), p 1.

۱۵. خلیل اینجالق، پیشین.

16. Inalcik, 1978, p 43.

۱۷. خلیل اینجالق، پیشین، ص ۱۸۶.

۱۸. اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، پیشین، ص ۵۹۷.

19. M. Zeki Pakalın, Osmanlı Tarih Deyimleri Sözlüğü, c. 3, İstanbul 1971, p 76.

۲۰. صادق سجادی، پیشین، ص ۸.

۲۱. اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، پیشین، ص ۴۸.

22. Can Aktan; 1986, p 1.

۲۳. صادق سجادی، پیشین، ص ۴.

۲۴. خلیل اینجالق، پیشین، ص ۳۲۱.

۲۵. همان، ص ۱۸۲.

۲۶. همان، ص ۲۰۱ - ۲۰۲.

۲۷. صادق سجادی، پیشین، ص ۸.

۲۸. یوزف هامر پورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران:

۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲۹. همان، ج ۲، ص ۱۳۳۷.

30. Can Aktan, 1986, p 1.

31. Nihad Sayar; Türkiye İmparatorluk Dönemi Mali Olayları, 2.b. İstanbul: İİTİA Nihad Sayar Yayın ve Yardım Vakfı Yayını, 1978, p 17.

32. Sayar, 1978, p 19.

33. Sayar, 1978, p 47.

34. Mustafa Akdağ, "Osmanlı Müesseseleri Hakkında Notlar", AÜ. Dil ve Tarih-Coğrafya Fak.Dergisi, c. 13, ayrı basım, (Mart-Haziran 1955), s. 47.

35. Canaktan, 1986, p 3.

36. Akdag, 1955, p 45.
37. Ziya Karamürsel, Osmanlı Mali Tarihi Hakkında Tetkikler, İstanbul, 1940, p 151.
38. M. Tayyib Gokbilgin, "Arpalık", Islam Ansiklopedisi, c. 1, s. 592.
39. Gokbilgin, p 592.
40. Islam Ansiklopedisi, p 51.
۴۱. صادق سجادی، پیشین، ص ۶.
42. Akdag: 1955, p 44.
۴۳. صادق سجادی، پیشین.
۴۴. اسماعیل حقی اوزون چارشیلی، پیشین، ص ۵۹۹.
45. Akdag, 1955, p 46.
46. Sayar, 1978, p 19.
47. Cin, 1978, p 98.
48. Cin, 1978, p 100.
49. Tamer Timur, Kurtuluş ve Yükseliş Döneminde Osmanlı Toplumsal Düzeni, 2.b. Ankara, 1979, p 192.
50. Sabri Tekir, Maliye Tarihi (Teksir), Izmir: Deu-iibf Yayini, 1985, p 30.
51. Pakalin, M. Z., Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri s N z l O g O , İstanbul, 1979, p 502-504.
52. Ani Ali Efendi, Osmanlı Devletined Arazi Kanunlari (kanunname-I Al-I Osman), Cev: Hadiye Tuncer, Ankara: Tarim Bakanligi Yanini, 1987, p 43.
53. Barkan, 1981, p 314- Efendi, 1998, 28.
54. Cin, 1978, p 105.
55. O. Lutfi Barkan, "H. 933-934 (M. 1527-1528) Mali Yilina Ait Bir Butce Ornegi" , IU. Iktista Fakultesi Dergisi, C: 15, s: 1-4, 1953, s. 277.
۵۶. خلیل اینجالق، پیشین، ص ۱۹۵.
۵۷. استانفورد جی شاو، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۳.

58. Mustafa Nuri Pasa, *Netayicu'l-vukat*, c.1,2, Sadelestiren: Neşet Çağatay, Ankara: TTK Yayını, TTK Basımevi, 1979, p 133.
59. Cin, 1978, p 131.
60. Karmursel, 1940, p 145-sayar, 1978, p 18.
61. Can Aktan, 1986, p 4.
62. Mustafa Nuri Paşa, *Netâyicü'l-vukat*, c. 1, 2, Sâdeleştiren: Neşet Çağatay, Ankara: TTK Yayını, TTK Basımevi, 1979, p 133.
63. Sayar, 1978, p 18.
64. Sayar, 1978, p 35.
65. Barkan, 1981, p 106.
66. Ziya Kazici, *Osmanlılar'da Vergi Sistemi*, Istanbul: 1977, p 34.
67. Akdag, 1955, 49.

۶۸. خلیل اینجالیق، پیشین، ص ۱۹۱ - ۱۹۳.

۶۹. همان، ص ۲۰۱.

۷۰. نورمن ایتسکویتس، *امپراطوری عثمانی و سنت اسلامی*، ترجمه احمد توکلی، تهران:

پیکان، ۱۳۷۷، ص ۷۵ - ۷۹.

۷۱. اسماعیل حقی اوزون چارشلی، پیشین، ص ۵۸۳.

۷۲. استانفوردجی شاو، پیشین، صص ۲۲۵ - ۲۲۶.

۷۳. نورمن ایتسکویتس، پیشین، ص ۷۳.

۷۴. اسماعیل حقی اوزون چارشلی، ص ۵۸۲ - ۶۰۰.

۷۵. نورمن ایتسکویتس، پیشین، ص ۷۵ و ۷۸.

۷۶. همان، ص ۸۰ - ۸۱.

۷۷. استانفوردجی شاو، پیشین، ص ۲۰۳.

۷۸. Kapart, p 77 به نقل از عبدالهادی حائری، *امپراطوری عثمانی و دورویه تمدن*

بورژوازی غرب، مشهد: ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد، ۱۳۶۴،

شماره دوم.

79. Cin, 1978, 106.

۸۰. یوزف هامر پورگشتال، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۳۷.
۸۱. صادق سجادی، پیشین، ص ۶.
82. Sabri Tekir, Maliye Tarihi (Teksir), İzmir: DEÜ-İİBF Yayını, 1985, p 62-68.
83. Akdag, 1955, p 421.
84. Barkan, 1981, p 320.
85. Ahmet Mumcu, Osmanli Hukunda Zulum Kavrami (Deneme), Ankara: Auhf. Yaynini, 1972, s. 38,39.
86. Can AKTAN, 1986, p 5.
۸۷. عبدالهادی حائری، پیشین، ص ۴۱-۴۲.
88. Can AKTAN, 1986, p 5.
۸۹. استانفوردجی شاو، پیشین، ص ۲۹۷.
90. Koçi Bey, Koçi Bey Risâlesi, Sadeleştiren: Zuhûrî Danışman, İstanbul: Milli Eğitim Basım evi, 1972, p 65
۹۱. اسماعیل حقى اوزون چارشیلی، پیشین، ص ۱۸۵-۱۸۶.
۹۲. خلیل اینجالق، پیشین، ص ۲۰۱.
93. Efendi, 1964. p 47.
94. Fazil Pelin, Finans İlmi ve Finansal Kanunlar, İstanbul: 1942, p 54.
95. Can AKTAN, 1986, p 9.
96. Gokbilgin 1999, p 333 – Mumcu, 1972, p 38.
97. Can AKTAN , 1986, p 9.
98. Can AKTAN , 1986, p 10.
۹۹. خلیل اینجالق، پیشین، ص ۳۳۴.
۱۰۰. ن. ک: عبدالهادی حائری، پیشین، ص ۴۱ - ۴۲.